

بررسی مشارکت سیاسی زنان در گفت‌وگوی «جوان» با حقوقدان و فعال حوزه زنان

زنان ایرانی علاوه بر نقش‌های سنتی توان ایفای مسؤلیت سیاسی هم دارند



محسنه‌بندی سالی جوان

مشارکت سیاسی زنان یکی از موضوعات مهمی است که به خصوص در آستانه وقایع سیاسی سرنوشت‌سازی همچون انتخابات‌ها خودنمایی می‌کند. حالا هم در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار داریم و زنان نه فقط به عنوان نیمی از بدنه جامعه سهم مهمی در سبب آرای هر یک از کاندیداهای ریاست جمهوری دارند بلکه به واسطه نقش هدایت‌کنندگی خود می‌توانند در اقبال اعضای خانواده و اطرافیان خود به یک کاندیدای خاص نقش آفرین باشند. با وجود این در انتخابات پیش رو شاهد آن بودیم که برخی خانم‌ها برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کردند؛ افرادی که اگر چه نام‌شان در فهرست تأییدصلاحیت‌شده‌ها قرار نگرفت اما حضورشان یک سؤال مهم را در ذهن مخاطب ایجاد کرد و آن اینکه آیا مشارکت سیاسی زنان به معنای کاندیداشدن آنها برای انتخابات است؟ مشارکت سیاسی زنان موضوعی است که در گفت‌وگو با دکتر مه‌به شادمانی، حقوقدان و فعال حوزه زنان به بحث و بررسی آن پرداخته‌ایم.

خانم دکتر شادمانی با عنایت به اینکه انتخابات ریاست جمهوری را پیش رو داریم، نقش بانوان را در مشارکت سیاسی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اگر توسعه‌داری ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی باشد، توسعه سیاسی از جایگاه مهمی برخوردار و یکی از مصادیق مهم آن مشارکت سیاسی است، اما متأسفانه ما در حوزه مشارکت سیاسی نقش زنان را اقلیت می‌بینیم، یعنی با وجود اثرگذاری‌ای که با توجه به ظرفیت خود دارند، نقش‌شان دیده نمی‌شود.

آیا مشارکت سیاسی بانوان به معنای آن است که به طور نمونه برای مجلس، شورای شهر یا حتی ریاست جمهوری کاندیدا شوند یا همین شرکت در انتخابات یا مصادیق آن هم می‌تواند به معنای مشارکت سیاسی بانوان باشد؟

بانوان در دو سطح توسعه‌دهنده و نخبگانی می‌توانند مشارکت سیاسی داشته باشند.

و مصادیق هر کدام از این دو سطح چیست؟

ما اگر در سطح توسعه‌دهنده مصادیق مختلفی را در نظر بگیریم می‌مانند شرکت در راهپیمایی‌ها و انتخابات، حق رأی اینها، مصادیق مهمی است که یک اهنگار عمومی برای مشارکت سیاسی بانوان به حساب می‌آید. شرکت در انجمن‌ها، احزاب و حتی شرکت بانوان در مجالس روضه با توجه به آموزه‌هایی که در این مجالس هست، به عنوان یکی از نهادهایی است که می‌تواند در افزایش مشارکت سیاسی بانوان تأثیر بگذارد. در حوادث مختلف اجتماعی مانند جنگ و جنبش‌های اجتماعی و مذهبی همه اینها مواردی است که بانوان ما در سطح توسعه‌دهنده

اگر تحصیلات خاصی نداشته باشند، می‌توانند به عنوان رکن تأثیرگذار در جامعه به شمار بیایند. اگر ما بخواهیم برای سطح توسعه‌دهنده مثالی بیابیم، فقط به قانون مجرای اسلامی ایران و انقلاب بخواهیم اشاره کنیم. از زمان عصر مشروطه ما حضور زن مسلمان ایرانی را شاهد هستیم، چه در حادنه قیام توتون و تنباکو و چه در ماجرای مسجد گوهرشاد و قانون منع حجاب رضاخانی همه اینها نقطه‌های عطفی است که زمینه‌های مشارکت سیاسی بانوان را ایجاد کرد. اگر چه بحث انقلاب سفید و حق رأی که به زن داده شد، باعث شد زنان در جامعه حضور داشته باشند اما با توجه به اینکه این مشارکت از ایدئولوژی اسلامی متفاوت بود و حقوق زنان را ایجاد نمی‌کرد، مورد توجه جدی قرار نگرفت، اما بعد از شکل‌گیری انقلاب و حضور بانوان راه‌اشکال مختلف در عرصه‌های سیاسی شاهد بوده‌ایم. به طور نمونه در تظاهرات‌هایی که امام خمینی در فتوای‌شان گفتند، برای شرکت در این تظاهرات‌ها حتی نیاز به اجازه همسر و پدر هم نیست؛ بحث جنگ و حضور به عنوان پرستار یا در پشت جبهه برای آماده‌سازی آذوقه یا نقش ارشادی و رهنمونی مردم و اینکه فرزندان‌شان را به جبهه می‌فرستادند یا در فضاهای مختلف اجتماعی و در تداوم انقلاب اسلامی می‌بینیم که زنان نقش مهمی را در ساخت توده ایفا کردند، اما متأسفانه حضور و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان و حضور گسترده‌ای که داشته‌اند در جامعه مورد پذیرش نبوده و حتی به چالش هم کشیده شده است.

در سطح نخبگانی مشارکت سیاسی بانوان باید چگونه باشد؟

در سطح نخبگان، صحبت از مشارکت سیاسی برای افرادی است که متخصص هستند و از سطوح و حلقه‌های میانی جامعه و جامعه نخبگانی به وجود می‌آید که می‌توانند به عنوان نمایندگان مجلس در قوه مقننه و حتی قوه مجریه، به عنوان وزیر، معاون یا مدیر کل ایفای نقش کنند یا حتی در عرصه‌های بین‌المللی به عنوان رایزن فرهنگی یا نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی و نشست‌ها حضور داشته باشند.

جمهوری داشته باشد. بر اساس گفت‌مان اسلام آنچه برای ما مهم است اینکه بانوان ما در حوزه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نقش خودشان را داشته باشند و حتماً این مسئله به این معنا نیست که فرد به عنوان مدیرعامل یا در جایگاه مدیریتی نقش آفرینی داشته باشد.

با وجود این اما ما بانوان موفق‌تر در سطوح پی‌لای مدیریتی داشته‌ایم که اتفاقاً در حوزه نقش آفرینی‌های خانوادگی هم بسیار قوی ظاهر شده‌اند.

نمونه بارز آن خانم دباغ است که هم مادر هشت فرزند و هم در عرصه‌های

سیاسی و مبارزاتی بسیار فعال بود و بعد از انقلاب از سوی امام خمینی (ره) به عنوان فرمانده سپاه همدان انتخاب شد. درست است؟

بله بسیاری از افراد خانم دباغ را مثال می‌زنند اما نوع حضور سیاسی خانم دباغ در عرصه‌های مختلف از نوع جهادی و خدمت‌رسانی بود و هیچ‌گاه وارد رقابت‌های سیاسی نشد. خوب است که این توجه کنیم که جنس اینها با هم متفاوت است. ما بخواهیم یک بازار فضای رقابتی برای رسیدن به کرسی‌ها برای خودمان ایجاد کنیم، آن هم برای اینکه نفع بیشتری به ما برسد و به شهرت برسیم، با کسی که رویکرد جهادی و خدمت‌رسانی دارد، متفاوت است. مسئله دیگری که ما باید مورد توجه قرار دهیم، این است که بانوانی که کاندیدا می‌شوند، آیا واقعاً در عرصه‌های مختلف توانمندی‌شان ثابت شده است؟ آیا آنها پایه‌ها و سطوح مختلف مدیریتی را طی کرده‌اند یا نه حضورشان فقط یک حضور تبلیغاتی و نمایشی است. بانوان ما حتی اگر نماینده مجلس شوند، صرف‌نمایندگی مجلس بودن اکتفا نمی‌کنند، برای اینکه ما بخواهیم در سطوح مدیریتی کشور و در جایی که از وزرا و وزارتخانه‌های مختلف تشکیل می‌شود، فعالیت کنیم. نهاد قوه مجریه بسیار گسترده است و نمایندگی مجلس که در ذیل یک قوه می‌خواهد نقش ایفا کند، متفاوت خواهد بود.

اما چرا بانوان ما تاکنون نتوانسته‌اند در حوزه مشارکت سیاسی به خصوص در سطوح نخبگان موفق عمل کنند؟

این به عوامل مختلف روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و حتی شاید حقوقی بازمی‌گردد. مدل سیاست در کشور ما مردانه است و سیاست را امری مردانه می‌دانند. از سوی دیگر جامعه‌پذیری ما به سمتی است که خانم‌ها را در حل مسائل ناتوان می‌بینیم و به مردها گرایش بیشتری داریم. از مسائل دیگری که در این زمینه مؤثر است اینکه زنان مسئولیت‌های مختلف در خانه و خانواده دارند و همچنین مسئولیت‌های اجتماعی و عدم حمایت حکمرانی از آنها وجود دارد؛ اینکه حاکمیت باید برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مادران تسهیلاتی را در نظر بگیرد و این یکی دیگر از مسائلی است که در حوزه فعالیت‌های اجتماعی بانوان و تجارب سیاسی آنها وجود دارد. علاوه بر اینها بانوان ما برای ایجاد توانمندی در حوزه‌های سیاسی و مدیریتی آموزش لازم را ندیده‌اند و اگر این آموزش را هم ببینند و زمینه‌اش ایجاد شود، قطعاً آنها هم می‌توانند در پست‌های دیگر بدون یک حالت نمایشی حضور داشته باشند. موضوع دیگری که موجب شده است جامعه‌پذیری اجتماع نسبت به بانوان شکل بگیرد و تصور شود که بانوان در این عرصه‌ها ناتوان هستند، آن است که برخی از بانوان در سطوح مدیریتی‌ای که حضور داشته‌اند، تجربه خوبی پیش روی مسئولان و مردم از خودشان باقی نگذاشته‌اند.

دربین

سیاستمداران را زنان تربیت کرده‌اند

زنان نیمی از بدنه اجتماع را به خود اختصاص داده‌اند اما واقعیت این است که میزان تأثیرگذاری این نیمی از پیکره جامعه فراتر از یک نیمه است و اصولاً اثرگذاری بانوان بر رفتار نیمه دیگر پیکره اجتماع، یعنی آقایان هم امری ثابت شده است. با وجود این حضور و مشارکت سیاسی زنان به شکل مستقیم موضوعی است که نه فقط در جامعه ما بلکه در تمام دنیا چندان پررنگ نیست، به این معنا که در میان چهره‌های سیاستمدار دنیا زنان سهم کمتری دارند یا در تمامی محافل و مجالس سیاسی در اقصی نقاط دنیا حضور زنان را به شکل کم‌رنگ‌تری شاهدیم. این مسئله نشان می‌دهد زنان لاقفل در سطوح نخبگانی مشارکت سیاسی‌شان چندان پررنگ نیست و این مسئله دلایل متعددی دارد. با تمام اینها اما مشارکت قطع به یقین مشارکت سیاسی فقط به معنای حضور در جایگاه مدیریتی و کاندیداشدن در کارزارهای انتخاباتی نیست بلکه خیلی وقت‌ها این توده‌های جامعه هستند که در شکل‌گیری کلی فضای سیاسی و انتخاب اینکه چه جریان‌های سیاسی و افراد و چهره‌هایی در رأس امور قرار گرفته و اداره جامعه را در دست بگیرند، بسیار مهم‌تر و تأثیرگذارتر خواهد بود، به این معنا که در هر جامعه‌ای تعداد اندکی از افراد در سطوح نخبگانی قرار دارند و گروه بزرگ‌تری از مردمی که به ظاهر در این سطح قرار نمی‌گیرند،

قرار گرفته است، بنابراین رده‌صالحیت خانمی که برای انتخابات ریاست جمهوری کاندیدا شده است به دلیل جنسیتش نیست؛ بلکه به دلیل شایستگی‌هایی است که در عرصه‌های مدیریتی باید داشته باشد و ممکن است این صلاحیت برای این بانوان احراز نشده باشد. همچنین‌آنکه افرادی مانند خانم زهره الهیان در دوره اخیر یا خانم اعظم طالقانی و خانم زهرا شجاعی در دوره اخیر از چهره‌های مشهوری هستند که کاندیدای ریاست جمهوری شدند اما صلاحیت‌شان احراز نشد ولی این احراز صلاحیت‌نشدن ربطی به جنسیت آنها نداشت، اما اینکه اصلاً مسئله نوع مشارکت سیاسی بانوان در عرصه انتخابات ریاست جمهوری و اینکه بخواهند کاندیدا شوند، باید در دو سطح تحلیل و بررسی شود.

معنای کاندیداشدن آنها برای ریاست جمهوری است؟

این روند، رویکرد و حضور را باید تحلیل صحیح داشت. اول اینکه همانطور که اشاره داشتید در تفسیر رجال سیاسی در قانون اساسی بحث جنسیت اصلاً مطرح نیست و شاخص‌هایی که فرد دارد، بدون در نظر گرفتن جنسیت مدنظر است. این در منابع علم حقوق و تفسیر قوانین که از سوی شورای نگهبان انجام شده، مورد اشاره

توجه به دو ساحتی که برای مشارکت سیاسی بانوان در عرصه‌های توسعه و نخبگانی برشمردید، در مجموع مشارکت سیاسی زنان را چگونه می‌بینید؟

با توجه به سطوح مختلفی که شمردیم، میانگین مشارکت سیاسی هم در سطوح توسعه و هم در گروه نخبگانی بسیار کم است؛ با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی زنان، به صورت جدی در خصوص سابقه مشارکت با عنایت به نقش توده و نخبگان و ضعف آن در عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، می‌بینیم که تحلیل یا کار تحقیقی جدی انجام نشده است و همچنان می‌توانیم ادعان داشته باشیم که مشارکت سیاسی بانوان به عنوان یک تابو در سطح اجتماع و حتی در سطوح نخبگانی شناخته می‌شوند.

این در حالی است که رهبری هم نسبت به این مسئله نگاه مثبتی دارند و مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی زنان را مشروط به آسیب‌ندیدن نقش‌های اصلی، یعنی مادری و همسری مجاز می‌دانند.

بله، رهبر معظم انقلاب بارها بر این مسئله تأکید داشته‌اند که زنان ایرانی علاوه بر آنکه می‌توانند از عهده نقش‌ها و وظایف سنتی خود برینایند، بلکه نسبت به حوادث سیاسی هم حساس هستند و می‌توانند مسئولیت سیاسی خود را به خوبی ایفا کنند، بنابراین اگر ما به حضور بانوان در تجربه‌های اجتماعی و سطوح مختلف توجه لازم را داشته باشیم، قطعاً می‌تواند روند توسعه سیاسی هم طبق گفت‌مان امام و رهبری پیگیری شود.

اما در سطح نخبگانی ما شاهد این بوده‌ایم که در ثبت‌نام کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری اخیر برخی بانوان شرکت کردند. در برابر این ماجرا اگر چه طبق قانون اساسی ما شرط رخل سیاسی بودن رئیس‌جمهور لزوماً به معنای مرد بودن وی نیست، اما سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا مشارکت سیاسی بانوان به



واکاوی سیاست حضور زنان در مجلس شورای اسلامی

هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ و عرف اجتماعی خاص خود مشکلات ریز و درشتی دارد اما برخی از این مشکلات بین فرهنگ‌ها و جوامع مشترک است. مسائل و مشکلات زنان از این جمله است که در تمامی جوامع و کشورها به توسعه‌یافته و چه در حال توسعه باشد و ضعف‌های متفاوت وجود دارد.

حضور کم زنان در عرصه سیاست از جمله قانونگذاری از همین دست مشکلات است که در تمام کشورهای دنیا دیده می‌شود. امروزه مشارکت زنان در عرصه سیاست بسیار مهم است چرا که یکی از اصول دموکراسی نمایندگی که نظریه‌پردازان ارائه داده‌اند این است که تمامی شهروندان یک جامعه، بدون در نظر گرفتن جنسیت، برای حضور و شرکت در حوزه سیاست از فرصت برابر برخوردار باشند. ایران به عنوان یک کشور دارای فرهنگ مردسالاری، باعث شده است وابستگی مردان به زنان بیشتر شود و مردان دارای قدرت و برتری کامل در جامعه باشند. متأسفانه هنوز این نظریه وجود دارد که توانایی زن از مرد کمتر است، به همین دلیل به او به چشم یک شهروند درجه ۲ نگاه می‌شود.

زنان در ایران هنوز در عرصه و حقوق سیاسی کشور بسیار عقب‌تر از مردان هستند، با وجود این در ایران نیز مانند بسیاری دیگر از کشورها در سالیان اخیر، فعالیت‌هایی صورت گرفته است تا بسترهای لازم برای حضور فعال‌تر زنان در اجتماع و سیاست فراهم شود.

«کتاب زنان و مشارکت سیاسی؛ واکاوی سیاست حضور زنان در مجلس شورای اسلامی» نوشته سیمین حاجی‌پور ساردویی به بررسی حضور زنان در عرصه سیاست و فعالیت‌های سیاسی آنها و همچنین حقوق و قوانین زنان برای حضور در این عرصه می‌پردازد.

این کتاب تلاش دارد به مطالعه مشارکت سیاسی و سیاست حضور زنان در مجلس شورای اسلامی بپردازد، دلایل حضور کم‌رنگ و ضعیف زنان در این عرصه را بررسی و راهکارهای مناسب ارائه کند و از سوی دیگر به طرح این پرسش‌ها می‌پردازد که سیاست و وضعیت حضور زنان در پارلمان‌های ایران قبل از انقلاب و ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی چگونه بوده است.

در بخشی از کتاب زنان و مشارکت سیاسی می‌خوانیم: «دغدغه‌های جنسیتی به روابط میان زنان و مردان در جامعه مربوط می‌شود. این دیدگاه جنسیتی بر این اعتقاد است که تفاوت‌هایی میان زنان و مردان از منظر علایق و دیدگاه‌ها وجود دارد. این تفاوت‌ها از سوی آنها و روابط اجتماعی و فرهنگی منبث می‌گردد و از تفاوت در علایق، دغدغه‌ها و سیاستگذاری‌ها انعکاس می‌یابد، در نتیجه زنان شروع به مشارکت در سیاست می‌کنند. یک مطالعه نشان داده است همانگونه که حضور زنان و مردان در پارلمان به سمت برقراری تعادل پیش می‌رود، نمایندگان زن نفوذ بیشتری بر نگرش‌ها و اولویت‌های مردان خواهند داشت، اما آیا افزایش تعداد زنان، مردان قهرمانان طرح مسائل زنان می‌شوند؟

از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد «چه مقدار در طرح مسائل زنان فعال هستند؟» نتایج نشان داد دوسوم خود را در مسائل زنان «فعال» می‌دانند و یک‌سوم دیگر خود را «حسباً فعال» یا «غالباً» می‌دانند. مردان نرخ‌های پایین‌تری را برای دخالت در مسائل زنان اعلام کردند، اما جالب است بدانیم که تقریباً ۴۰ درصد از مردان در زمینه مسائل زنان خود را «بسیار فعال» یا «فعال» می‌دانند که نشان می‌دهد مردان همراهان قوی بالقوای برای پیگیری مسائل زنان هستند.

رجال سیاسی همیشه مرد نیستند!

نظر به وجود شرط «رجل سیاسی» در مجموعه شروط تعیین شده برای رئیس‌جمهور، حضور بانوان در این عرصه، صرف‌نظر از ضرورت‌ها و اقتضات موجود، همواره با چالش‌های تفسیری بر سر این عبارت نیز مواجه بوده است؛ اینکه «رجل» بودن ناظر بر «جنسیت» تعریف شود که بر آن مبنا تنها آقایان امکان داوطلبی و ورود به این میدان را داشته باشند یا معنای دیگری بر آن مترتب باشد که امکان حضور بانوان را لاقفل به نحو پیشینی مسدود نکند و بستری مهیا کند که آنها نیز بر اساس معیارهای صلاحیت امکان‌کنندگی در این عرصه را بیابند. با تمام اینها در تمامی انتخابات‌ها شاهد حضور تعدادی از خانم‌ها هستیم.

در فرایند ثبت‌نام انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم، چهار زن برای تصدی این پست اعلام آمادگی کردند.

خانم‌ها زهره الهیان، رفعت بیات، هاجر چنارانی و حمیده زب‌آبادی بانوانی هستند که برای انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم ثبت‌نام کردند. در ادوار قبل انتخابات ریاست جمهوری هم خانم‌ها اعظم طالقانی و زهرا شجاعی ثبت‌نام کرده بودند که البته با عدم تأیید صلاحیت از سوی شورای نگهبان مواجه شدند.

زهرا الهیان با تحصیلات پزشکی، تجربه نمایندگی دوره هشتم و یازدهم تهران را در کارنامه دارد.

حمیده زب‌آبادی، نماینده اصلاح‌طلب قزوین در دوره دهم نیز در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری ثبت‌نام کرد. هاجر چنارانی، نماینده نیشابور در مجلس دهم و یازدهم نیز با ثبت‌نام در انتخابات آمادگی خود را برای تصدی پست ریاست جمهوری اعلام کرد. رفعت بیات، نماینده زنجان در مجلس هفتم نیز چهارمین داوطلب زن و آخرین فردی بود که پیش از بسته‌شدن درهای وزارت کشور در دقایق پایانی خود را به خیابان فاطمی رساند و در انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم ثبت‌نام کرد.

صرف‌نظر از اینکه این بانوان چقدر در دوران حضور خود در جایگاه‌هایی همچون مجلس موفق بوده‌اند، سؤال جدی این است که اگر یکی از این افراد تأییدصلاحیت می‌شد، آیا می‌توانست اعتماد مردم را برای جایگاه ریاست جمهوری به دست بیاورد؟

وزیرین

محسنه‌بندی سالی جوان

نکته